

پیام رهبر انقلاب در پی جسارت به ساحت قرآن مجید در سوئد

اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد را حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین خواندند و تاکید کردند: «اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است.»

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است.

اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد. توطئه گران پشت صحنه نیز بداندند که حرمت و شوکت قرآن کریم روزبه‌روز افزون تر و انوار هدایت آن درخشان تر خواهد شد، امثال این توطئه و عاملان آن حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری از این درخشش روزافزون باشند. والله غالب علی امره

سیدعلی خامنه‌ای
۳۱ تیرماه ۱۴۰۲

پیام تسلیت

در پی درگذشت شیخ حسن صانعی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی با تسلیت در گذشت حاج شیخ حسن صانعی، آن مرحوم را ثابت قدم و از قدیمی ترین اصحاب امام بزرگوار خواندند و از خردمندی و خیرخواهی به عنوان دو خصوصیت بارز آن شخصیت بی تظاهر نام بردند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسن صانعی رحمه الله علیه را به خاندان مکرم و دوستان و معاشران آن مرحوم و به کلیه مرتبطان بیت حضرت امام رضوان الله علیه تسلیت عرض می‌کنم. این مرد وفادار و ثابت قدم از قدیمی ترین اصحاب امام بزرگوار و در شمار اولین یاران ایشان در آغاز نهضت و سپس جزء همراهم همیشگی آن بزرگمرد در همه فراز و نشیب‌های دوران مبارزات تا هنگام پیروزی و پس از آن تا غروب آن آفتاب تابان بود. اینجناب در طول رفاقت دیرین خود با وی، خردمندی و خیرخواهی را دو خصوصیت دیگر این شخصیت بی تظاهر و پرکار دانسته و شناخته‌ام. رحمت و مغفرت الهی شامل حال ایشان باد ان شاء الله.

سیدعلی خامنه‌ای
۳۱ تیرماه ۱۴۰۲



درباره اشتباهات استراتژیک وادیکال‌ها در نشاختن جوهره دینی مردم

ایران شناسی؛ بلای جان اپوزیسیون

ابتدایی‌شان دین‌ستیزی همچنان یکی از پشتوانه‌های نظری اپوزیسیون است. اپوزیسیون درحالی این رویکرد را در پیش گرفته‌اند که مردم ایران را با باورمندی خود به باورهای مذهبی را به رخ کشیده و هر بار نیز پروژه‌های آشوبی که توهین به مناسک و مظاهر دین بخشی از آن بوده را به شکست کشانده‌اند. معاندان اما بار دیگر بدون توجه به پرونده براندازی باید هر دورا مورد تخریب ایران قصد دارند از فرصت تهاجم به جمهوری اسلامی برای عقده‌گشایی علیه دین نیز بهره ببرند. چنین مواجهه‌ای باعث می‌شود تا بدنه مذهبی که نسبت به رویه‌ها و ساختارهای حکمرانی انتقادهای شدیدی دارند نیز با جناح اپوزیسیون ضد دین‌میزندگی کرده و حتی علیه آن کنش نشان دهد. در ادامه به مرور مصادیقی پرداخته‌ایم که ماهیت ضد دینی آشوب‌های اخیر را به خوبی نمایان می‌کند.

پذیرفت. در این بین اما واکنش اپوزیسیون به اتفاقات رخ داده نیز جالب توجه است. معاندان بدون هیچ گونه موضع‌گیری در قبال این اقدامات سعی دارند خیلی مختصر و صرفا به روایت اتفاقات و واکنش‌ها بپردازند تا به مخاطبان خود این پیام را بدهند که از نظر آنها اسلام و جمهوری اسلامی هر دو دارای یک جایگاه بوده و در پروژه براندازی باید هر دورا مورد تخریب قرار داد. چنین مواجهه‌ای درحالی صورت می‌گرفت که جریان اپوزیسیون در ابتدای آشوب‌ها سعی داشت با تفکیک بین جمهوری اسلامی و دین اسلام از بدنه مذهبی نیز علیه کشور یاگیری کند، شکست پروژه آشوب اما تمام تنظیمات ذهنی اپوزیسیون را به حالت اولیه بازگردانده و آنها بدون توجه به باورهای اعتقادی مردم ایران مجددا حاکمیت و دین را به طور همزمان مورد تخریب قرار می‌دهند تا نشان دهند برخلاف ادعاهای

نخستین بار روز عید قربان بود که سلوان مومیکا، فرد ۳۷ ساله عراقی تباری حضور در مقابل مسجد اصلی شهر استکهلم ضمن پاره کردن صفحات قرآن کریم اقدام به آتش زدن این کتاب آسمانی کرد. این اقدام با واکنش‌های بسیاری از مسلمانان در نقاط مختلف جهان روبه‌رو شد. اوج این واکنش‌ها را نیز مردم عراق با هجوم به سفارت سوئد در بغداد نشان دادند. حال بار دیگر این فرد دو تابعیتی تحت حمایت پلیس سوئد اقدام هائکانه خود را تکرار کرده و ضمن آتش زدن پرچم عراق، به تصویر رهبر انقلاب و مقتدا صدر نیز اهانت کرد. در واکنش به این اقدام مردم عراق این بار سفارت سوئد را به آتش کشیده و دولت این کشور نیز سفیر سوئد را اخراج کرد. مطابق آنچه امیر عبداللیمان اعلام کرد ایران نیز بعد از پایان ماموریت سفیر فعلی سوئد سفیر جدید این کشور را مامدی که با فردهتاک برخورد نشود نخواهد

این رنگ‌ها به ایران نمی‌آید

تصور اینکه این اقدامات مورد پذیرش مردم داخل کشور قرار دارد اشتباه براندازان خارج نشین بود. گذر از ناآرامی‌ها و بی‌توجهی مردم داخل کشور به فراخوان‌های متعدد آشوب، شکست آنها را آشکار کرد. اپوزیسیون خارج نشین به علت دور بودن از مردم داخل کشور اساسا شناخت درستی از چهارچوب عقاید و باورهای مردم ایران ندارند و تصور می‌کنند رفتارهای زنده‌ای که در غرب رواج یافته در بافت اجتماعی ایران نیز قدرت نفوذ و گسترش دارد، غافل از اینکه در جامعه ایران چنین رفتارهایی صرفا در جهت بازنمایی تصویر مستعجب اپوزیسیون عمل می‌کند.

از همین پرچم‌های چند رنگ و بزرگ برای پوشاندن جمعیت کم حاضران هم استفاده می‌شود. در این میان اما سوالی که پیش می‌آید این بود که حضور پرچم همچنن بازان در این اجتماعات اساسا به چه منظور و چرا اتفاق افتاده بود؟ براندازان خارج نشین وقایع را به چیزی شبیه به انقلاب، تشبیه می‌کردند و در تصورشان این گزاره بررنگ شده بود که حالا می‌توانند از آب گل‌آلود ناآرامی‌ها ماهی خود را بگیرند و به هر گروه و جریان ضد ایرانی تریبون و اجازه اظهار نظر بدهند. تجمعی که تصاویر آن به تنهایی برای مرزبندی جامعه مذهبی ایران با اپوزیسیون خارج نشین کفایت می‌کرد.

در روزهای اوج ناآرامی‌های خیابان‌های ایران در پاییز سال گذشته، اپوزیسیون خارج نشین نیز فراخوان‌هایی برای حضور و اعتراض ایرانیان خارج از کشور منتشر کرد. بعد از گذر از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ اما آنچه از خاطر رفته حضور پرچم‌های رنگانگی بود که بیش از جمعیت حاضر در این تجمع‌ها خودنمایی می‌کرد؛ پرچم‌ها گروه‌های مختلف تجزیه طلب را شامل می‌شد و دامنه این شمولیت حتی به پرچم‌های همجنس‌گرایان نیز کشیده می‌شد. تقریبا همه رنگ پرچم را می‌شد در اجتماعاتی که عموما به اختلاف و درگیری نیز کشیده می‌شد، مشاهده کرد. گاهی نیز

تفاوت پوشش: ابزار دوقطبی سازی

داخل ایران توسط این رسانه‌ها دریافت کرد. آنچه پرنرگ تر و گل درشت تر منتشر شده و تبدیل به تیترا اخبار این رسانه‌ها می‌شود، ادعاهای تند و واجد قدرت القای این موضوع است که حکومت قصد ستیز با مردم خود را دارد. جدای از انتشار این اخبار، این رسانه‌ها علنا پیشنهاداتی نیز برای دامن زدن به اختلافات اجتماعی در جامعه ارائه می‌کنند؛ پیشنهاداتی که البته بیشتر از آنکه شبیه به یک اعتراض باشد، نمایشی مضحک را تداعی می‌کند. این رسانه‌ها با توجه به آغاز ایام عزاداری ماه محرم، پیشنهاد حضور و شعار دادن در میان عزاداران را مطرح می‌کنند. در همین راستا یکی از افرادی که با عنوان کارشناس در تلویزیون اینترنتی‌شان حضور یافته بود مردم را این گونه به نزاع تشویق می‌کند: «در مراسم محرم و صفر که پلیس حضور ندارد، می‌شود شعار داد. در دو طرف خیابان‌ها راه بروند و شعار بدهند، کاری نمی‌توانند بکنند. هر مشکلی می‌تواند خودش یک موفقیت به همراه داشته باشد.» مرور ادعاهای و صحبت‌های این چنینی از رسانه‌های اپوزیسیون این گزاره را اثبات می‌کند که رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی اساسا شناخت و دید درستی نسبت به جامعه ایرانی ندارند. تصور اینکه می‌توان دوقطبی پوشش را به تمام عقاید مذهبی تعمیم داد باعث شده اپوزیسیون روی دور تکرار اشتباهی بیفتد که در طی چند سال گذشته بارها مرتکب شده و هر بار با دیوار سخت واقعیت جامعه ایران مواجه شده است.

حجاب، چه در دوران پیش از وقوع انقلاب و چه پس از پیروزی، در چهارچوب اصول اعتقادی جامعه ایرانی جایگاه قابل توجهی داشته است. این موضوع تقریبا در کنار دیگر عقاید و فرایغ از رویکرد حکومت وقت در جامعه ایرانی مورد توجه مردم قرار داشته است. در سال‌های اخیر اما رسانه‌های ضد انقلاب تلاش کرده‌اند میان طیف‌های مختلف جامعه به بهانه پوشش شکاف و نزاع ایجاد کنند. اگرچه در وقایع اخیر و بعد از پاییز ۱۴۰۱ این موضوع، نمود بیشتری در رسانه‌های اپوزیسیون پیدا کرده است، اما تلاش برای ساختن چنین دوگانه‌ای محدود به وقایع پاییز سال گذشته نیست. «چهارشنبه‌های سفید»، آخرین تلاش و برنامه‌ریزی برای ایجاد چنین دوگانه‌ای بود. شروع ماجرای چهارشنبه‌های سفید به سال ۹۶ برمی‌گشت. دعوت و تبلیغ برای حضور بدون پوشش مناسب در چهارشنبه‌های هر هفته در سطح شهر و فیلم گرفتن از درگیری‌های احتمالی که اتفاق می‌افتاد، یکی از بزرگترین ابتدایی برای دامن زدن به این دوگانه بود. در این میان اهمیت نداشت که این موضوع اساسا چقدر مورد توجه جامعه ایرانی قرار گرفته است. آنچه مهم بود، تعداد فیلم‌ها از بحث و جدل میان یک فرد هتاک با فردی بود که نسبت به این رفتار و معترض می‌شد. تلاش‌ها برای بازنمایی پوشش به عنوان یک خواست حاکمیتی و تبدیل آن به اهرم دوقطبی سازی به ویژه در وقایع پاییز ۱۴۰۱ با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. این امر را می‌شود از نوع پوشش اخبار و وقایع

اپوزیسیون در برزخ شادی و عزای سیاسی

رسیده‌ایم با کنار گذاشتن همه ادعاهای قبلی خود مبنی بر عزادار بودن مشغول استفاده از مظاهر شادی شده‌اند. این تناقض‌های بی شمار حاکی از این است که براندازان از منطق مشخصی پیروی نمی‌کنند و برای مبارزه با جمهوری اسلامی حاضرند روی تمام گفته‌ها و اقدامات گذشته خود را بگذرانند. البته در حالی که هنوز در روزهای ابتدایی دهه اول محرم هستیم، مردم ایران مثل خیلی از مقاطع دیگر با حضور پرنرگ خود در مراسم عزاداری پاسخ خود به اقدامات را با صدای بلند نشان داده‌اند. این تناقض‌ها و اظهارات و اقدامات عجیب براندازان، نشان می‌دهد که جریان براندازی هنوز هم مردم ایران را به درستی نشناخته است و اشتباهات خود بیش از پیش مردم را در مقابل خود قرار می‌دهد. یکی دیگر از مظاهر تقابل براندازان با مناسک دینی، واکنش‌های منفی آنها به میهمانی ده کیلومتری عید غدیر بود. این رویداد علاوه بر اینکه یک جشن تمام عیار برای یکی از بزرگترین ایعاید شیعیان بود، به مظهر همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز همه اقشار جامعه با سلیقه‌های متفاوت بدل شده بود. علاوه بر این، میهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر که پارسال منحصر به شهر تهران بود امسال به صورت گسترده در سراسر ایران برگزار شد و همین مساله این سلسله جشن‌ها را به مظهر کامل تری برای وحدت مردم ایران زیر پرچم امیرالمومنین تبدیل کرده بود. اتفاقی که باعث شده بود براندازان بیش از پیش به هجمه به این جشن بپردازند. در شرایطی که براندازان به دنبال تعمیق هرچه بیشتر شکاف‌های اجتماعی با بهانه‌های متفاوت هستند، برگزاری این جشن با چنین ابعادی به خوبی بی‌ثمر بودن تلاش‌های چند ماه گذشته آنها را به رخ کشید. براندازان که خودشان می‌دانستند این جشن منحصر به مذهبی‌ها نخواهد بود و تمام اقشار ایران از این جشن همگانی استقبال می‌کنند، از چند روز قبل تر به تخریب این جشن پرداختند. برخی هجمه‌ها به صورت غیر مستقیم با همان استدلال‌های قدیمی و نخ‌نمای اسراف و مزاحمت و... و برخی به صورت توهین و تمسخر مستقیم بودند. البته باز هم همان طور که انتظار می‌رفت هیچ‌یک از این نفرت‌پرانی‌ها منجر به کاهش حضور مردم در این جشن‌ها نشد و در تمام ایران مردم با حضور چشم‌گیری و نظیر خود صحنه‌های زیبایی از همدلی و وحدت مردم با یکدیگر به تصویر کشیدند. جریان اپوزیسیون در تقابل با مظاهر دینی صرفا به مراسم اکتفا نکرده و در ماه رمضان نیز روزه‌خواری را ترویج می‌کردند تا از این طریق نشان دهند دلخوری آنها نه از ظاهر دین بلکه از خود دین و تمام احکام و مناسک آن است. امری که در جامعه معتقد ایران به هیچ عنوان قدرت ایجاد بدنه اجتماعی نداشته و اثراتی کاملا معکوس با هدف طراحان آشوب را منتج می‌شود.

چند روز مانده بود به شروع ماه محرم و جلسات عزاداری سیدالشهدا که براندازان که به توهین به تمام مناسک مذهبی عادت کرده‌اند دست به کار شدند و پوشش با عنوان «رنگی بپوشیم» راه انداختند. پوششی که با هدف مقابله با پوشش‌های مشککی عزاداران حسینی طراحی شده و به دنبال توهین به عزاداری سیدالشهدا بود. البته توهین به عزاداران سیدالشهدا اتفاق جدیدی نیست و در سال‌های گذشته نیز شاهدی احترامی مستقیم یا غیر مستقیم براندازان به ماه محرم بودیم. برخی استدلال‌ها از جمله مزاحمت صدای مجالس عزاداری، شلوغی ایجاد شده بابت مراسم و اسراف در غذاهای نذری و... از جمله ادعاهای سستی بوده که بهانه حمله به عزاداری‌های ماه محرم بودند. اما امسال و در اولین ماه محرم بعد از آشوب‌های پارسال، حجم و صراحت این توهین‌ها به سطح جدیدی رسیده است. برخی براندازان نیز در حرکتی که به ظاهر هماهنگ شده نبود با تردد با پوشش نامناسب از مقابل موكب‌ها و مجالس عزاداری در روزهای گذشته و انتشار عمومی تصاویر این حرکت توهین به شئونات ماه محرم را به سطح جدیدی رساندند. علی کریمی که حالا می‌توان او را از رهبران اپوزیسیون خواند، در تویییتی که چند روز پیش منتشر کرد با حمایت از این پوشش، نوشته بود در «محرم رژیم» مشککی نپوشیم. جالب اینجاست که او سال گذشته در همین ایام نوشته بود که: «من هم مثل شما از کودکی شوق رسیدن به دهه محرم را داشتم و با گذشت زمان این ارادت را حفظ کرده‌ام... این عزاداری‌ها پیش از ما بوده و پس از ما هم خواهد ماند... حسینی بمانیم و حسینی زندگی کنیم.» او که در آخرین محرم قبل از آشوب‌های پارسال این چنین از محرم نوشته بود، امسال با ابداع ترکیب بی‌معنی و مفهوم «محرم رژیم»، عزاداری‌های این ماه را منتسب به حکومت دانست و از مردم خواست که در این ماه مشککی نپوشند. اما جالب تر آنکه براندازان نه تنها خود مشغول توهین به ماه محرم هستند، بلکه هر کسی که این ماه را به هر نحوی گرمی بدارد مورد هجوم توهین‌ها و هتاک‌های این جماعت قرار می‌گیرد. تا جایی که افراد حامی هنجارشکنان در ایام التهیابات اخیر نیز اگر مطلبی منتشر کنند که بوی عزاداری برای ایام محرم از آن برداشت شود از گزند توهین‌ها در امان نمی‌مانند. مقابله با عزاداری در ماه محرم توسط براندازان جنبه قابل توجه دیگری نیز دارد. در سال گذشته هر مناسبتی ملی یا مذهبی که رنگ‌بویی از شادی در خود داشت توسط براندازان با بهانه اینکه «ما عزاداریم» تحریم شد و هر کسی که به این مناسبت‌ها اهمیت می‌داد انگ عادی سازی می‌زنند. این اتفاق در مورد جشن‌های ملی مانند شب یلدا و عید نوروز و حتی جشن پیروزی تیم ملی در جام جهانی نیز رخ داد. اما حالا که به ایام عزاداری امام حسین (ع)

نمایش عریان آرمان اپوزیسیون

جامعه ایران مواجه نشد بلکه انتقادات زیادی را نیز برانگیخت. برخی کاربران حتی به عدم برهنگی کامل فولادی اشاره داشتند و آن را به دلیل وجود قوانین پوشش در هلند دانستند که در تناقض با خواسته امثال فولادی است. کاربری در این باره در صفحه برگزار شد، گروهی از زنان به سرکردگی نیلوفر فولادی با بدنی برهنه در اذهان حضور یافتند که این اقدام‌شان با واکنش‌های منفی بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران معتقد بودند فولادی با این حرکت خیلی زود انتهای سوءاستفاده‌ها از التهیابات خیابانی را نشان داد. این رویکرد اما نه تنها با استقبال

این روزها اپوزیسیون با شعار حجاب اختیاری سعی در دامن زدن به شکاف اجتماعی در بین مردم ایران دارد. معاندان اما دورنمایشان از حجاب اختیاری را در همان روزهای ابتدایی التهیابات نشان دادند. در تجمعی که مهرماه ذیل پرچم فمینیست در هلند برگزار شد، گروهی از زنان به سرکردگی نیلوفر فولادی با بدنی برهنه در اذهان حضور یافتند که این اقدام‌شان با واکنش‌های منفی بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران معتقد بودند فولادی با این حرکت خیلی زود انتهای سوءاستفاده‌ها از التهیابات خیابانی را نشان داد. این رویکرد اما نه تنها با استقبال